

متن پرسش

سلام استاد وقت شما بخیر: آیا در مورد انبیاء عظام و اولیاء الله هم مبارزه با نفس صدق می‌کند؟ یعنی این بزرگان با وجود مقامات عالیه و به قول رسول الله تسلیم شدن شیطان درونشان، آیا تا آخر عمر همچنان در مهار نفسشان کوشش می‌کردند؟ این سوال از آنجایی برایم پیش آمد که از یک طرف به قول مولانا این بزرگان در مقامی هستند که از جهد و ریاضت خلاصی یافته و مستغرق ذات الهی هستند. یک گُره مستغرقِ مطلق شدند / همچو عیسی با مَلک ملحق شدند نقشِ آدم ، لیک معنی جبرئیل / رسته از خشم و هوا و قال و قیل از ریاضت رسته ، وز زهد و جهاد / گویا از آدمی او خود نژاد. و اما از یک طرف وقتی به زندگی این بزرگان نظر می‌کنیم ما به وضوح اوج ریاضت کشی و جهاد به نفس را مشاهده می‌کنیم. خصوصا اینکه سیر الی الله را انتهای نیست که بگوییم آنجا مبارزه با نفس تمام شده و باز به قول مولانا: هرچند شوی عالی تو جهد به اعلی کن...

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در کتاب «مبانی نظری نبوت و امامت» بحثی در این رابطه شده است که عیناً آن قسمت، خدمتتان ارسال می‌گردد. موفق باشید

در رابطه با اعتقاد به وجود انسان‌هایی که خداوند به نحوه‌ی خاصی برگزیده، موضوع مخلصین در قرآن است.

شیطان می‌داند که از بین بندگان خدا فقط یک گروه هستند که هیچ ابزاری و امکانی برای گمراهی آن‌ها در اختیار ندارد و آن «مخلصین» هستند و لذا به خداوند عرض کرد: «فَبِعِزَّتِكَ لَأَعُوذَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ، إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ» به عزت تو همه را گمراه می‌کنم مگر بندگان مخلص را. مخلصین آن‌هایی هستند که خداوند در آن‌ها تصرف خاصی دارد و هیچ‌کس در آن‌ها سهمی ندارد تا شیطان بتواند در آن‌ها تصرف کند. اگر به معنی «مخلص» توجه شود، متوجه خواهید شد که مخلص بودن غیر «مخلص» بودن است. همت برای خوب شدن مربوط به مخلصین است و نه برای مخلصین، بلکه مخلصین برگزیدگانی هستند که خداوند برای خود خالص کرده و هیچ‌کس در آن‌ها سهمی ندارد، بلکه آن‌ها به دلیل مخلص بودنشان آینه‌ی خواست و رضایت خدایند و هرکس خواست و رضایت خدا را جلب کند، باید حرکات و افکار و عقاید آن‌ها را ملاک قرار دهد. مشخص است که این مقام یک مقام اکتسابی نخواهد بود، بلکه موهبتی است، هرچند آن‌ها با اختیار خود باید این عصمت را حفظ نمایند و مسلم حفظ کردن عصمت موهبتی مشکل‌ترین کار ممکن برای بشریت است، زیرا حفظ عصمت به

این معنا است که يك لغزش نباید از آن‌ها سر بزند. در همین رابطه است که عارفان گفته‌اند: محنت قرب ز بُعد افزون است / جگر از محنت قریم خون است. هست در قرب همه بیم زوال / نیست در بعد جز امید وصال.

حفظ حالت قرب از آن جهت جگر سالک را خون می‌کند که با یک خطا از آن مقام سقوط می‌نماید. در زیارت جامعه خطاب به امامان «عليهم السلام» عرض می‌کنیم: «السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ» سلام بر شما ای نور خدا در ظلمت‌های زمین. «بِكُمْ يُسَلِّكُ إِلَي الرِّضْوَانِ» به کمک شما راه رضایت الهی طی می‌شود. و یا می‌گوییم: «حَفَظَةَ لِسْرِهِ وَ حَزَنَةَ لِعِلْمِهِ» شما نگهبان سر الهی و معدن علم او هستید.